

در این شماره می خوانید:

- ۳ الزامات نظریه پردازی تفسیر - تفسیری
- ۴ مرور تفسیری سور هود تا لقمان
- ۱۱ اصول ساختار نظریه تفسیر سازوکاری
- ۱۸ چالش حس نسبت و توسعه در گفتمان جهان ایرانی
- ۲۱ خاستگاه معرفت شناخت ولایت فقیه
- ۲۳ فرانظریه دین شناخت معماری و شهرسازی
- ۲۵ راه دشوار دموکراسی



خبرنامه داخلی
مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال نهم، شماره پنجم
آذر و دی ۱۴۰۰

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

پژوهش پیشرفت اینک در مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، به تدریج در سه ساحت اندیشه پردازی پیشرفت، اجتهاد تفسیری و گرایش های تخصصی، توسعه یافته است. در نمونه اندیشه پردازی پیشرفت، در سطح تحلیل اهداف کلان، تا سیاست ها، راهبردها و تدابیر و شاخص ها است. پیشرفت، حرکت تکاملی فردی و اجتماعی به سوی اهداف مطلوب در عرصه های مختلف زندگی در چارچوب مبانی، ارزش ها و احکام اسلامی است که در ساحت اجتهاد تفسیری در عرصه تفسیر ترتیبی و تنزیلی قرآن کریم به ویژه در نگرش ساختاری و سازوکاری سورگان در مرور تفسیری آن ها، به الگویی مشخص در ترسیم انسان کامل نبوی-علوی رسیده است. بر این مبنا گرایش تخصصی گروه های پژوهشی مرکز، سامان هویتی هماهنگی می یابند. یک نمونه بهره این فرآیند، ورود این نهاد پیشاهنگ پژوهش به میثاق ملی پیشرفت است: الگوی پیشرفت، چارچوب مفهومی-نظری کلان و منسجمی است که وضعیت مطلوب جامعه را در امتداد ارزش های آرمانی در قالب افق زمانی معین الگوی پیشرفت تصویر کرده و نقشه راه دست یابی به آن را نشان می دهد و راهنمای عمل حکم رانی پیشرفت در ابعاد فردی و اجتماعی قرار می گیرد.

در این راستا، گزارش های این شماره از حکایت نظر به شرح زیر است:

۱. در گروه پژوهش های نظری و مطالعات مبنا دو گزارش «هفت مؤلفه ساختاری قلمروی دین» و «الزامات نظریه پردازی تفسیر-تفسیری» معرفی می شود؛
۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «مرور سوره بقره»، «جان مایه فلسفه نظام احکام الهی» با سوره نساء، «دغدغه داری مشرکان» با سوره انعام، «مرور تفسیری سور هود تا لقمان»، «تنزیل و فرآوری گفتمان» و «اصول ساختار نظریه تفسیر سازوکاری» مرور می شود؛
۳. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز «تاریخ شناسی فقه»، «تحلیل فلسفه فقهی آیات ۱۰۰ تا ۱۲۰ سوره بقره» و «زن در نظریه رشد- توسعه قرآن کریم» را آغاز نموده است؛
۴. گروه پژوهش علوم انسانی در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه ای علوم انسانی» به «کارکردی توسعه ای علوم انسانی دین شناخت در عرصه مدیریت معیار» نظر افکنده است؛
۵. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی سه گزارش «چالش حس نسبت و توسعه در گفتمان جهان ایرانی»، «گزارش تفصیلی شاخص های توسعه انسانی» و «خاستگاه معرفت شناخت ولایت فقیه» در دستور تأمل است؛
۶. در گروه پژوهش های هنری گزارش «فرانظریه دین شناخت معماری و شهرسازی» معرفی می شود؛
۷. انجمن علمی هم اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به بحث با موضوع «راه دشوار دموکراسی» پرداخت. دو گزارش «نشست هم اندیشی مدیران و معاونان پژوهشی واحدهای علمی حوزوی» و «جلسه مشترک دبیرخانه گفتمان انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)» نیز در بخش رویداد علمی محل نظر است.

دبیر علمی

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مینا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «هفت مؤلفه ساختاری قلمروی دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و گزارش «الزامات نظریه‌پردازی تفسیر - تفسیری» نیز در دستور تأمل آمده است.

هفت مؤلفه
ساختاری
قلمروی دین

را برانگیزد که ریشه طرح مسئله، رویکرد اومانستی است؛ در حالی که نوع پاسخ‌ها به قلمروی دین، دیگرگون از خاستگاه طرح مسئله است. فلسفه دین ناگزیر از پاسخ به پرسش از قلمروی دین است؛ حال با بینش بیرون‌دینی یا بینش درون‌دینی یا بینش رفت و برگشتی و سازوکاری.

دین الگوی زیست انسان - در عرصه‌های حیات فردی (بینشی و اعتقادی، گرایشی و اخلاقی و منشی و رفتار) و اجتماعی (فرهنگی تا اجتماعی تا سیاسی و تا اقتصادی) و تمدنی - یا امر متناهی بشری در نسبت‌داری با امر نامتناهی غایی الهی به مدد سه منبع عقل، نقل و تجربه است.

قلمروی دین به اعتبار فلسفه و غایت آن تفسیر می‌شود؛ بدین‌سان دین به جوانب مرتبط با حرکت و زیست اراده‌ورز انسان مرتبط است؛ حتی اگر به علوم طبیعی مرتبط باشد. هر آنچه در عرصه زیست دین‌دارانه مرتبط با فلسفه‌داری حرکت و جریان وجودی انسان است با قلمروی دین مرتبط است. از این رو بر مدار این معیار، دین در حوزه‌های علمی، طبیعی و انسانی ورود می‌کند و شریعت به همه جوانب زندگی مربوط است. این دخالت می‌تواند مستقیم باشد یا غیرمستقیم؛ در حوزه علوم انسانی مستقیم و در حوزه علوم طبیعی غیرمستقیم است. بر اساس تعریف دین، موارد پیوندخورده با کوشایی منبع عقل و تجربه با امر اراده‌ورز انسانی و پیوندخورده با منبع وحی نیز در این قلمرو جای دارد.

نسبت دین و زمان از چشم‌انداز قلمروی دین، دو عرصه معنایی دارد: در یک معنا رقم‌خوردن تاریخ بر دین است که دین در هر دوره تاریخی چونان عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، عصر سامانیان، عصر مغول، عصر صفویه، عصر پهلوی یا عصر جمهوری اسلامی چه وضعیتی دارد که در این جنبه به تناسب وضعیت زمان،

سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» با حضور اساتید صاحب نظر در این حوزه، در گام آذر و دی ۱۴۰۰، در بازخوانی فهرست کتاب، بحث از قلمروی دین را در دستور کار خود داشت.

قلمروی دین، عرصه سامان عناصری و شبکه‌ای دین و جریان (کارکرد) آن در متن سوژگان و ابژگان انسانی دین از منظر داد و ستدی انتظار از دین و نیاز به دین، عقل و نقل و چشم‌انداز بیرون‌دینی، درون‌دینی است. تعریف یادشده، هفت مؤلفه ساختاری دارد:

۱. منظومه عناصری دین که در آموزه‌های آن منعکس است؛
۲. شبکه نظام‌واره ساخت گرفته در میان کل عناصر آموزه‌ای دین با لحاظ یک نظام معین حاکم بر این شبکه؛
۳. ساخت جریان و کارکرد دین در متن تحقق آن در فضای معقول اولی، انسانی و معقول ثانوی؛
۴. ساخت سوژگی یا فاعلیت انسانی و ابژگی انسانی یا قلمروی موضوعات عرصه جریان دین؛

۵. در منظر داد و ستدی انتظار از دین و نیاز به دین؛

۶. در منظر داد و ستدی عقل و نقل؛

۷. در منظر داد و ستدی دو چشم‌انداز بیرون‌دینی و درون‌دینی.

ظهور و شکل‌گیری بحث قلمروی دین به گونه امروز، ریشه در مطالعات جدید فلسفه دینی در غرب دارد که ممکن است این گمان

“ قلمروی دین همواره در دو سازوکار رفت و برگشتی تعیین می‌شود: ۱. فهرست نظام انتظارات از دین که صبغه و چشم‌اندازی انسان‌شناخت و ماهیت بیرون‌دینی دارد؛ ۲. فهرست نظام نیازها به دین که صبغه و چشم‌اندازی درون‌دینی داشته و به طور خاص در آموزه‌های نیایشی آن دین جلوه دارد. ”

نظریه تفسیری، مکتب برگزیده در فرآیند و نظام اقدامی مستند به تفسیر دین است.

از جمله مباحث مطرح شده در این فصل «الزامات نظریه‌پردازی تفسیر - تفسیری» است.

الزامات یک نظریه تفسیری چیست؟ چه اصولی در فرآیند نظریه‌پژوهی و نظریه‌سازی دخالت دارد؟

هرگونه فرآیند اندیشه‌ای و پژوهشی نیازمند الگو، نظریه و شیوه‌ای برای تدبیر آن و نیز حجم مورد نیاز معینی از دانش و تجربه نسبت به پدیده مورد بررسی است. توانایی برای این فرآیند اندیشه‌ای و به خصوص حیث سازوکاری آن، به این دو ظرفیت برجسته و از جمله نوع روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تأثیرگذار بر شخصیت پژوهشگر وابسته است. استانداردها و الزامات چنین فرآیند شناختی، به‌ویژه هنگامی که این جریان شناختی مبتنی بر یک نظریه معین معرفتی است، کدام است؟ این الزامات در عرصه فکر اجتهادی نیز متبوع است:

۱. ظرفیت دانشی مهیا در خصوص هر دو عرصه روش‌شناسی و دانش مورد نیاز نسبت به پدیده مورد بررسی؛

۲. تصویر روشنی از مسئله مورد بررسی در بنیان رویکرد فلسفه دینی فکر اجتهادی و با تأکید بر حیث روان‌شناختی پژوهشگر با لحاظ اعتنا به ضرورت نظریه‌پژوهی و نظریه‌پردازی در فرآیند فکر اجتهادی؛

۳. پژوهشگر باید در پژوهش خود، چگونگی پیوند مسئله‌پژوهی با رهاورد نظری (نظریه و مدل) خود را در ساحت علم و عمل، و نظر و اقدام نشان دهد؛

۴. این اثر نظری برآمده، باید در قالب نظریه، قضیه، سؤال یا فرضیه‌های معین پیشنهاد شود؛

۵. ایده پیشنهادی در ذیل نظریه تا فرضیه معین، باید ظرفیت شبکه‌سازی دانش جاری در آن حوزه شناختی را به قصد ایجاد واحدهای معرفتی در حوزه معرفت مورد نظر داشته باشد؛

۶. این ایده بنیادین، زبان گفتمانی معین خود را نیز نیازمند است؛

۷. کارکردهای علم تولیدی در هر ساحتی از ساحت نظر تا ساحت حوزه عمل، باید معین و همواره در معرض نقد مستمر باشد.

عناصر شکل دهنده فکر اجتهادی در راستای این الزامات می‌تواند معین باشد و با جای‌گیری در سازوکار آن، سلسله مراتب جریان فکر اجتهادی را نشان دهد. جهان‌بینی، پارادایم، نظریه کلان، نظریه کارکردی، سؤال‌ها، فرضیه‌ها، گزاره‌ها، قضایا، سامانه مفاهیم، تعاریف، مدل‌های عملیاتی و گفتمان در این گام از تحلیل، تعیین مفهومی می‌یابند.

این نمونه الزامات، ساختار معینی به مثابه روش دارد. این نگرش به الزامات مزبور، یک خودآگاهی مبنا برای ورود به هر داعیه‌ورزی نظری و نظریه‌ای در حوزه نظریه‌پژوهی و نظریه‌پردازی است.

نحوه حضور دین ممکن است متفاوت باشد؛ اما اصل نقش‌ورزی در حوزه انسانی به جای خویش باقی است و در معنای دیگر نقش دین در تدبیر زمانه است که با توجه به تعریف از دین، پرسش و ظرفیت جریان دین در متن مدیریت زمان است که این نیز وابسته به نوع دین (مسیحیت، اسلام یا بودا) بوده و به طور خاص درباره ظرفیت دین الهیاتی قرآنی جریان‌داری دین در متن میدان اراده‌ورزی انسانی در ضمن نظام تنزیل، شأن نزول‌های مستمری (به تناسب سبب نزول‌های قرآنی) را پوشش می‌دهد و دین در همه این عرصه‌های اراده‌ورز حضور دارد. این اشاره ضرورت دارد که در مبحث قلمروی دین سخن از ظرفیت و توانمندی جریان دین در عرصه حیات انسانی است؛ اما این‌که فاعلان عرصه دین‌داری چگونه دین را در عینیت‌های امر انسانی مجال جریان‌بخشیدن داده‌اند، در نمونه تجربه عصر صفوی یا عصر جمهوری اسلامی سخن دیگری است.

قلمروی دین همواره در دو سازوکار رفت و برگشتی تعیین می‌شود: ۱. فهرست نظام انتظارات از دین که صبغه و چشم‌اندازی انسان‌شناخت و ماهیت بیرون دینی دارد؛

۲. فهرست نظام نیازها به دین که صبغه و چشم‌اندازی درون‌دینی داشته و به طور خاص در آموزه‌های نیایشی آن دین جلوه دارد.



در ادامه نشست‌های پروژه پژوهشی اجتهاد پارادایمی در تفسیر پیشرفت‌شناخت، فصل دوم بخش اول با موضوع «فرانظریه تفقه در دین - فرانظریه تفسیر پیشرفت‌شناخت» مورد بررسی قرار گرفت.

زیست‌جهان انسانی و شکل‌گیری علم - عمل در ساحت این زیست‌جهان و به تعبیری دیگر شکل‌گیری تعبیر جهان - تدبیر جهان همواره در ضمن یک منظومه مفاهیمی، گزاره‌ای، اصولی و قواعدی مرجع (نظریه)، تفسیر و تدبیر می‌شود؛ بدین‌سان دو فرآیند پیوسته یاد شده همواره در استناد استنباطی، استنتاجی و کاربستی به نظریه مزبور، راهبری می‌شود. اجتهاد تفسیری در ادبیات مبنا این پژوهش، این کوشایی شناختی - اقدامی در استناد به منابع دین اسلام و به طور خاص با

لحاظ میان‌داری دو منبع قرآن کریم و سنت اولیایی است. در این راستا مراد از

نظریه تفسیر، مکتب برگزیده در فرآیند و نظام شناخت دین و

پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: رضوانه دستجانی

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره، شش گزارش «مرور سوره بقره»، «جان‌مایه فلسفه نظام احکام الهی»، «دغدغه‌داری مشرکان»، «مرور تفسیری سوره هود تا لقمان»، «تنزیل و فرآوری گفتمان» و «اصول ساختار نظریه تفسیر سازوکاری» به معرض نظر می‌آید.



و در سوره آل عمران، بیش‌تر نصارا هستند. وجه تسمیه سوره بقره، بنا به قاعده کلی نام‌گذاری سور، شاخص‌ترین قصه از مجموعه داستان‌های بنی اسرائیل در قرآن، یعنی قصه گاو بنی اسرائیل است. داستانی که تنها در این سوره آمده است و از نگاه برخی مفسران، در میان ۹ داستان گزارش شده در این سوره، شگفت‌ترین آن‌ها به حساب می‌آید.

تکرار زیاد خطاب «بنی اسرائیل» از میان ۴۲ بار تکرار آن در قرآن، فراوانی سرگذشت‌های مربوط به قوم یهود و تعبیرات ستایش‌آمیز یا گزنده‌ای که تنها در این سوره درباره این قوم آمده، اقتضا می‌کرده است که آن را «بنی اسرائیل» نامند، اما برخلاف انتظار، عنوان «بقره» جای‌گزین آن شده است؛ عنوانی که یادآور گوساله‌پرستی یهودان به تقلید از تقدیس گاو آپیس توسط مصریان، گزارش رفتار ناشایست بنی اسرائیل با پیامبر خدا و نشان بارز بهانه‌جویی و مادی‌گرایی این قوم است. دیگر لقب‌های این سوره «سنام القرآن»، «فسطاط القرآن» و «الزهران» است و می‌توان تسمیه مشهور و خلاف انتظار این سوره را چنان تفسیر کرد که گویا نام‌گذار خواسته است مرتفع‌ترین بلندا، برافراشته‌ترین خیمه‌گاه و درخشانده‌ترین قسمت قرآن را واقع‌گرایانه به افشاگری درباره بنی اسرائیل و مبارزه فرهنگی - اجتماعی با آنان اختصاص دهد.

۲. هدف سوره

هدف سوره ترسیم الگوی خودبانی رشد در متن علیت ممکن برسازی مستمر تاریخ است.

۳. ساختار سوره

سوره سه بخش برجسته را در خویش دارد:

۱. بخش مبانی پارادایمی و نظری تا ساختار عمومی نظریه خودبانی رشد (پیشرفت) در آیات ۱ تا ۳۹؛
۲. بخش مرور آزمون‌پذیر اگزیستانسیال (انسان‌شناخت) تا روان‌شناخت تا جامعه‌شناخت تا تمدنی این ایده پیشنهادی، به طور خاص با آیات

در ادامه سلسله نشست‌های تفسیری سوره بقره در دو ماه آذر و دی، به مرور این سوره بر اساس شیوه تفسیر هدی پرداخته شد. در این الگوی تفسیری به موارد زیر پرداخته شد:

۱. معرفی سوره

سوره بقره جزء سوره‌های مدنی و در ترتیب نزول، هشتاد و هفتمین سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است. این سوره در چینش کنونی مُصحف، دومین سوره است. سوره بقره بعد از سوره مطففین و قبل از سوره آل عمران و در مدینه بر پیامبر نازل شد. این سوره بزرگ‌ترین سوره قرآن است و ۲۸۶ آیه دارد. سوره بقره، اولین سوره از سوره‌های هفت‌گانه طوال و اولین سوره از سوره‌های ۲۹ گانه مقطعات است که با حروف مقطعه «الم» آغاز شده است. سوره بقره را به لحاظ محتوا، سوره جامعی دانسته‌اند که هم از اصول عقاید سخن گفته و هم احکام و مسائل عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مطرح کرده است.

سوره بقره به سبب همانندی حروف مقطعه آغازین آن، وجه مشترکی با سور آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان و سجده، دارد. با در نظر گرفتن مضامین این چند سوره و در قیاس با دیگر سوره‌های قرآن کریم، محور موضوعی مشترک‌شان «آیین رفتار و برخورد مسلمانان با هواداران و پیروان دیگر ادیان» است که در سور مکی از این مجموعه، بیش‌تر به مبانی و راهبردهای نظری و در دو سوره مدنی بقره و آل عمران، روش‌ها و راه‌کارهای عملی آن طرح و شرح شده است. محور بیان در سوره بقره، بیش‌تر بنی اسرائیل و قوم یهود